

# موسى بن جعفر

## قرآن در سیره و سخن امام کاظم

(بخش نخست)

محمد جواد مروجی طبسی

### طلیعه

یکی از نشانه‌های عظمت اهل بیت علیهم‌السلام این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنها را *عدل* کتاب خدا قرار داده است و از این که قرآن بیانگر همه چیز است، معلوم می‌شود معصومین که *عدل* قرآن هستند باید بیان کننده تمام نیازهای بشری باشند. بدین جهت با این که در برخی از دوران‌ها امامان در شرایط بسیار سختی قرار می‌گرفتند، اما این روشن است که نه تنها از وظیفه خود عقب نشستند، بلکه معارف الهی و احکام اسلامی را با عنایت به قرآن برای مردم تفسیر و تبیین می‌کردند. حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز در طول عمر شریف و با برکت خود در تمام زمینه‌های پیش آمده از این کتاب آسمانی بهره‌های فراوانی را به دیگران رسانده است. این نوشتار کوتاه، بیان کننده بخشی از سیره و روش قرآنی آن بزرگوار می‌باشد.

## قرآن در زندگی و سیره امام

پیاده کردن قرآن در تمام مراحل زندگی و دل بستن به آن، یکی از امتیازات بسیار بزرگ مردان الهی به ویژه امامان معصوم است. امام موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> نیز با دنبال کردن همین شیوه، این درس بزرگ را به تمام مسلمانان و پیروان خویش آموختند که با بها دادن بیشتر به قرآن کریم، حضورش را در زندگی خویش پر رنگ بنماییم؛ چرا که این کتاب آسمانی، بیان کننده آیین زندگی بشر است.

### گفتار شیخ مفید(ره)

شیخ مفید درباره امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> چنین می‌فرماید:

«کان علیه السلام أقه أهل زمانه حسب ما قدمناه و احفظهم لكتاب الله و أحسنهم صوتاً بالقرآن و كان اذا قرأ يحزن و يبکی السامعون لتلاوته؛ امام<sup>(ع)</sup> فقیه‌ترین فرد در زمان خود بوده آن گونه که گفته شد. همچنین حافظ‌ترین فرد نسبت به کتاب خدا و از نظر لحن و صدا آشناترین فرد به قرآن بوده است و هر گاه قرآن می‌خواند، محزون می‌گشت و شنوندگان نیز می‌گریستند»<sup>۱</sup>.

### پاسخ قرآنی

ابوحاتم گوید، شقیق بلخی به من گفت:

در سال ۱۴۹ق. به قصد حج حرکت نموده تا به قادسیه<sup>۲</sup> رسیدم. و در حالی که کثرت مردم را نظاره‌گر بودم، ناگاه چشمم به جوانی خوش سیما، سبزه و لاغر اندام افتاد که روی لباس‌هایش پیراهنی از پشم و نعلینی در پا داشت. از این که او را به تنهایی و جدای از دیگران نشسته یافتم، پیش خود گفتم: این جوان، یکی از صوفیه است که می‌خواهد در بین راه او را دیگران بکشند؛ سوگند به خدا، نزد او می‌روم و توبیخش خواهم کرد.

از این رو، نزدش رفتم. تا مرا دید که به سویش می‌روم، گفت: ای شقیق! اجنبوا کثیراً من الظن إن بعض الظن اثم؛<sup>۳</sup> از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها، گناه است. این را گفت و مرا رها کرد و به راه خود ادامه داد.

پیش خود گفتم: این امر عظیمی است؛ زیرا او هم آنچه که در دل داشتیم، به من خبر داد و هم نام مرا بر زبان آورد، و این نیست مگر بنده‌ای صالح. باید به دنبالش رفته، از او بخواهم تا مرا حلال کند. بدین جهت به سرعت به دنبالش راه افتادم، اما از دیده‌ام پنهان شده و دیگر او را نیافتم.





اما وقتی که به واقصه<sup>۴</sup> رسیدیم، او را در حال نماز و نیایش یافتیم که به شدت به خود می‌لرزید و اشکش جاری بود. پیش خود گفتم: این همان دوست من است، بهتر آنکه نزد او رفته و حلالیت بطلبیم.

پس منتظر ماندم تا این که نمازش پایان یافته و نشست. نزد او رفتم، وقتی که مرا دید، اظهار داشت:

ای شقیق! این آیه را تلاوت کن: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾؛<sup>۵</sup> «و من هر که را توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می‌آمرزم». این را گفت و به راه خود ادامه داد.

من نیز پیش خود گفتم: این جوان (امام کاظم علیه السلام) از ابدال است؛ چرا که دو بار از اسرار درونی من سخن گفت.<sup>۶</sup>

### تلاوت قرآن در زندان

اگر چه دشمنان اهل بیت - به ویژه حاکمان غاصب و زورگوی عباسی - سعی در پنهان کردن ماجراهای روزهای سخت و زندانی امام موسی بن جعفر علیه السلام داشته‌اند که خود دلایل فراوانی دارد؛ اما ناگزیر بخشی از آنها را در ملاقات‌های محرمانه با برخی از کارگزاران بیان کرده‌اند و تاریخ نمونه‌هایی از آن را ثبت کرده است.

شیخ مفید (ره) می‌نویسد: امام موسی بن جعفر علیه السلام را به بغداد روانه کرده، به فضل بن ربیع سپرده شد. امام مدت طولانی نزد وی به سر برد.

هارون الرشید از فضل خواست تا عرصه را بر امام تنگ کند ولی فضل از چنین کاری خودداری نمود. هارون الرشید طی حکمی از او خواست تا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به فضل بن یحیی بسپارد.

فضل بن یحیی پس از تحویل گرفتن امام موسی بن جعفر علیه السلام از فضل بن ربیع، او را به برخی از حجره‌های خانه خود برده و نگهبانانی را بر او گماشت.

امام علیه السلام در این مدت پیوسته مشغول به عبادت و راز و نیاز بود و شب‌ها را تا صبح به نماز و تلاوت قرآن و دعا سپری می‌کرد، و در بیشتر روزها حضرتش روزه‌دار بود.<sup>۷</sup>

## قرآن در سخن امام موسی بن جعفر علیه السلام

همان گونه که امام علیه السلام خود با قرآن انس داشت و روز و شب از این کتاب آسمانی جدا نمی‌شد، دوست می‌داشت پیروان و علاقه‌مندان به اهل بیت نیز انس و آشنایی خود را با قرآن بیشتر کنند. از این رو می‌بینیم هم خود درباره قرآن و اسرار و معارف آن سخن می‌گوید و هم روایاتی از امامان پیش از خود بر زبان می‌آورد.

در روایتی که طبرسی از آن حضرت نقل کرده، فرمود: «فی القرآن شفاء من کل داء؛ در قرآن شفای تمام دردهاست».<sup>۸</sup>

حسین بن احمد منقری گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هر که به یک آیه قرآن اکتفا کند و آن را برای نگهداری از خود کافی داند، از شرق تا غرب همان آیه او را بس باشد، اگر با ایمان و عقیده باشد».<sup>۹</sup>

## قرائت قرآن با صدای بلند

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: به امام صادق علیه السلام عرض کردند؛ شخصی معتقد است که دعا و قرآن وقتی اثرگذار است که با صدای بلند خوانده شود.

امام در پاسخ فرمود: «یرادی ندارد؛ زیرا علی بن الحسین علیه السلام بهترین صدا را در تلاوت قرآن داشت و نیز بسیار بلند می‌خواند که تمام اهل خانه می‌شنیدند، همچنین امام باقر علیه السلام صدایش از همه مردم در تلاوت قرآن رساتر بود، و شب‌ها که بر می‌خاست و قرآن می‌خواند، با صدای بلند می‌خواند به گونه‌ای که رهگذران به ویژه سقاها می‌ایستادند و گوش می‌دادند».<sup>۱۰</sup>

## تشویق به خواندن برخی از آیات و سوره‌ها

احادیث بی‌شماری از معصومین صادر شده که پرده از روی خواص برخی از سوره و آیات قرآنی برداشته و مشتاقان را به قرائت آنها تشویق کرده‌اند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در فواید آیه الکرسی و قرائت سوره قل هو الله احد می‌فرماید: هر که در وقت خواب آیه الکرسی را بخواند، از ترس فلج شدن ان شاء الله ایمن خواهد بود. و هر که آیه الکرسی را پس از ادای هر فریضه‌ای بخواند، گزندگان به او آسیبی نخواهند رساند. و نیز فرمود: هر که سوره قل هو الله احد را پیش از ملاقات با جبار و ستمگری قرائت کند،



خداوند شر او را دفع خواهد کرد و اگر آن را به چهار سو بخواند، خداوند نه تنها او را از شر آن ستمگر ایمن می‌گرداند بلکه خیر او هم به او خواهد رسید.

همچنین فرمود: اگر از چیزی هراس داشتی، یکصد آیه از هر کجای قرآن که خواستی، تلاوت کن سپس سه مرتبه بگو: اللهم اكشف عني البلاء؛ پروردگارا! بلا را از من دور بگردان.<sup>۱۱</sup>

### فایده‌ای دیگر از آیه الكرسي

امام کاظم علیه السلام فرمود: یکی از پدران بزرگوام شنید که شخصی سوره حمد می‌خواند. پس فرمود: وی هم شکر خدا به جای آورد وهم به پاداش رسید. بعد شنید که قل هو الله احد می‌خواند. امام فرمود: ایمان آورد و ایمنی به دست آورد. و سپس شنید که انا انزلناه می‌خواند. فرمود: راست گفت و آمرزیده شد. و سپس شنید که آیه الكرسي می‌خواند. فرمود: به به، آفرین! امان نامه ای برایش فرود آمد.<sup>۱۲</sup>

### آموزش قرآن در عالم برزخ

سلیمان بن داود منقروی از حفص روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم به مردی می‌فرمود: آیا ماندن در دنیا را دوست می‌داری؟ گفت: آری. امام فرمود: برای چه؟

پاسخ داد: به خاطر تلاوت [سوره] قل هو الله احد. امام مدتی ساکت مانده و چیزی نپرسید. پس از گذشت یک ساعت، به من فرمود: ای حفص! هر که از دوستان و پیروان ما بمیرد و قرآن را یاد نداشته باشد، در قبر به او قرآن یاد می‌دهند تا به وسیله قرآن، در روز قیامت، خداوند درجاتش را افزون گرداند؛ چرا که درجات بهشت به اندازه دانستن آیات قرآن است. وبه او گفته می‌شود: قرآن بخوان و درجات را طی کن. پس او می‌خواند و بالا می‌رود.

حفص می‌گوید: هیچ کس را همانند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ندیدم که به شدت در هراس باشد و یا امیدوارتر. قرائت و تلاوتش از قرآن بسیار حزین بود، و هر گاه قرآن می‌خواند، گویا با انسانی سخن می‌گوید.<sup>۱۳</sup>

### درس‌هایی به هشام با محوریت قرآن

امام کاظم علیه السلام درس‌های زیبایی را با محوریت قرآن کریم به یکی از یاران خود به نام «هشام بن حکم» داشته که بخشی از آنها در کتاب تحف العقول آمده است. حضرت در سفارشی که به هشام دارد، به بحث خدانشناسی و جایگاه عقل، با استفاده از بیست آیه پرداخته و هشتاد مرتبه هشام را مخاطب قرار داده و می‌فرماید:

به راستی خدای تبارک و تعالی اهل خرد و فهم را در کتاب خود مژده داده و فرموده:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾<sup>۱۴</sup> «مژده بده به بندگانم، به آن کسانی که گفتار را می شنوند و از بهترش پیروی می کنند، آنان که خدایشان هدایت می کند و آنان همان صاحب دلان اند».

ای هشام بن حکم! خدای عزوجل به وسیله عقول، حجت‌ها را بر مردم تمام کرد و بیان حق را به آنها ایفا کرد و با دلیل آنها را به پروردگاری‌اش راهنمود و فرمود:

«وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... لَا آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»<sup>۱۵</sup> «معبود شما یگانه است، نیست شایسته پرستش جز او، بخشاینده و مهربان است. به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و... نشانه‌ها است برای مردمی که خردمندی کنند».

ای هشام! خداوند از این آیه، دلیلی بر شناخت خود آورده که برای آنان مدبری دیگر نیست و فرموده:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنَّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾<sup>۱۶</sup> «مسخر کرد برای شما شب و روز را و خورشید و ماه و اختران به فرمانش مسخرند. به راستی در این، نشانه‌ها است برای مردمی که تعقل می کنند».

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾<sup>۱۷</sup> «هم سوگند به کتاب مبین که ما آن را قرار دادیم قرآن عربی تا شاید تعقل کنید».

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾<sup>۱۸</sup> «و از نشانه‌های اوست که به شما برق را بنماید تا بترسید و طمع ورزید و از آسمان بارانی فرود آورد تا زمین را که مرده است، زنده کند. به راستی در این نشانه‌هاست برای مردمی که تعقل می کنند».

ای هشام! سپس خردمندان را پند داد و به آخرت تشویقشان کرد و فرمود:

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَهَوٌّ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾<sup>۱۹</sup> «نیست زندگانی دنیا جز بازی و سرگرمی. و هر آینه خانه آخرت است که بهتر است برای مردم با تقوا. آیا تعقل ندارید؟».

ای هشام! سپس بیم داد آن کسانی را که خردمندی نکنند از عذابش و فرمود:



﴿ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ وَ إِنَّا نَكْمُ لَتَمْرُونَ عَلَيْهِمْ مُضِحِينَ وَ بِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾<sup>۲۰</sup> «سپس سرنگون کردیم دیگران را و شما بامداد و شامگاه بر آنها بگذرید. آیا تعقل ندارید؟».

ای هشام! سپس بیان کرد که خرد به همراه دانش است و فرمود:

﴿وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾<sup>۲۱</sup> «و این مثل‌ها را زدیم برای همه مردم و تعقل نکنند آنها را جز دانایان».

ای هشام! سپس نکوهش کرد کسانی را که خردمندی نکنند و فرمود:

﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ﴾<sup>۲۲</sup> «و هر گاه به آنان گفته شود: پیروی کنید از آنچه خدا نازل کرده، گویند: بلکه پیروی می‌کنیم آنچه را که پدران خود را بر آن یافتیم. آیا پدرانشان نبودند که چیزی تعقل نمی‌کردند و ره یاب نبودند؟». و فرمود:

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>۲۳</sup> «به راستی بدترین جانوران نزد خدا افراد کر و لال‌اند که تعقل ندارند».

﴿وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲۴</sup> «و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ می‌گویند: خدا آفریده. بگو سپاس مر خدا راست، بلکه بیشترشان تعقل ندارند».

سپس کثرت را نکوهش کرد و فرمود:

﴿وَ إِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾<sup>۲۵</sup> «و اگر بیشتر کسانی که در زمین هستند را پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه سازند».

﴿وَ لَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾<sup>۲۶</sup> «ولی بیشترشان نمی‌دانند».

و فرمود: بیشترشان شعور ندارند.

ای هشام! سپس کم را ستود و فرمود:

﴿وَ قَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾<sup>۲۷</sup> «و کمی از بندگان بسیار شکر گزارند».

﴿وَ مَا أَمِّنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾<sup>۲۸</sup> «و ایمان نیاورد به او جز کمی».

ای هشام! سپس صاحب‌دلان را به خوشتر  
وجهی یاد کرده و به بهترین زیوری آراست و  
فرمود:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ  
فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو  
الْأَلْبَابِ﴾<sup>۲۹</sup> «حکمت می دهد به هر کس که  
بخواهد، و به هر که حکمت داده شود، خیر  
بسیاری به او داده شده و یادآور نشوند جز  
صاحب‌دلان».

ای هشام! خدا می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾<sup>۳۰</sup>  
«به راستی در این قرآن یادآوری است برای  
کسی که دل دارد»؛ یعنی عقل دارد.  
و فرمود: ﴿وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾<sup>۳۱</sup> «هر  
آینه لقمان را حکمت دادیم»؛ یعنی فهم و عقل  
دادیم.

ای هشام! لقمان به پسرش گفت: «زیر فرمان  
حق باش تا خردمندترین مردم باشی. پسرانم!  
دنیا دریایی است ژرف و بسیاری در آن غرق  
اند، باید کشتی تو در آن، تقوای خدا و پر از  
ایمان باشد و بادبانش توکل و ناخدایش خرد و  
راهنمایش دانش و لنگرش صبر باشد».<sup>۳۲</sup>

پی‌نوشت‌ها

۱. ارشاد، شیخ مفید، ص ۲۷۹.

۲. منزلی است در پانزده فرسخی شهر کوفه. (معجم البلدان، ج ۴،

ص ۲۹۱).

۳. حجرات/۱۲.

۴. منزلی است در بین راه مکه. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۵۴)

۵. طه/۸۲.

۶. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۸.

۷. ارشاد، ص ۲۸۱.

۸. مکارم الأخلاق، ص ۴۲۰.

۹. کافی، ج ۲، ص ۶۲۳.

۱۰. همان، ص ۴۴۹.

۱۱. همان، ص ۶۲۱.

۱۲. امالی، صدوق، ص ۳۶۱.

۱۳. کافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

۱۴. زمر/۱۹.

۱۵. بقره/۱۶۲ و ۱۶۳.

۱۶. نحل/۱۲.

۱۷. زخرف/۱.

۱۸. روم/۲۳.

۱۹. انعام/۳۲.

۲۰. صافات/۹.

۲۱. عنکبوت/۴۳.

۲۲. بقره/۱۷۰.

۲۳. انفال/۲۲.

۲۴. لقمان/۲۵.

۲۵. انعام/۱۱۶.

۲۶. همان/۳۷.

۲۷. سبأ/۱۳.

۲۸. هود/۴۲.

۲۹. بقره/۲۷۲.

۳۰. ق/۳۶.

۳۱. لقمان/۱۱.

۳۲. تحف العقول، (ترجمه)، ص ۴۴۰.

